

## چرا دوستی؟

### طرحی برای پرورش کودکان در جامعه

رضا ماحوزی\*

مورد نظر داشته باشد که طرح پیشنهادیش، اولاً، چه انسان و جامعه‌یی را مطلوب میدانند و ثانیاً، نزد او روش نیل به وضعیت مطلوب کدام است؟ برکنار از برخی ملاحظات جدید آموزشی که بیشتر بمتابه مقدمه‌یی برای فعالیتهای تجاری و اقتصادی لحاظ میشود، فلسفه آموزش و پرورش معطوف به تربیت اخلاقی و اجتماعی انسان و جامعه بطور جدی با دوگانه وضع مطلوب - وضع واقعی روبروست و باید بصورت جدی به نسبت دوگانه مذکور، بی‌آنکه یکی را بنفع دیگری حذف کند و یا یکی را به دیگری تقلیل دهد، توجه نماید. اینکه وضع مطلوب را چه بدانیم و چه توصیفی از وضع موجود داشته باشیم و چگونه برای گذر از وضع موجود به وضع مطلوب برنامه‌ریزی کنیم، سه وجهی است که فلسفه آموزش و پرورش و علم آموزش و پرورش باید در جریان همکاری با یکدیگر مورد تحلیل و پردازش قرار داده و آغاز و پایان راه را با پشتوانه نظری و عملی لازم ترسیم نمایند.

در کشور ما، با لحاظ پشتوانه دینی و فرهنگی و عقلانی از یکسو و تجربه بیش از صد سال آموزش و پرورش جدید در کنار بیش از چند هزار سال آموزش و پرورش سنتی و کلاسیک از سوی دیگر و همچنین تحولات اجتماعی و فرهنگی دهه‌های اخیر، پرداختن به فلسفه آموزش و پرورش اقدامی ضروری و غیرقابل اجتناب است. این اقدام از آنرو غیرقابل اجتناب است که جامعه ایران، در جریان فرایند صد ساله تحول ساختاری و نهادی و فرهنگی خود و همچنین ارائه برنامه‌هایی برای ایرانی آباد و پیشرفته در دهه‌های آتی، قبال آموزش و پرورش سنتی و کلاسیک ایام پیشین را بر تن خود تنگ

#### چکیده

در جریان پیشامدهای فراوانی که جوامع با آنها روبرو میشوند، تنها آنانی میتوانند مقاومت کرده و بر مسائل و مشکلات مستحده فائق آیند و حتی از شرایط پیش آمده بمتابه فرصت استفاده کنند و جامعه‌سازی نمایند که آگاهانه در مشارکت با هم، مسائل را فهم، تحلیل و حل کنند. این مشارکت آگاهانه با خود سرزمینی و دیگری غیرسرزمینی، بیش از هر چیز، مقوله‌یی «فرهنگی» است که باید در جان آدمیان و جوامع نشسته باشد.

نوشتار حاضر با تمرکز بر مفهوم «دوستی» درصدد است تا نشان دهد چرا آموزش و پرورش ما در وضعیت فعلی و آتی، باید این مقوله را مورد توجه قرار دهد. به این منظور، پس از تفکیک وضع مطلوب از وضع موجود، «دوستی» بمتابه روش مدیریت جامعه در وضعیت انضمامی موجود توضیح داده میشود و در نهایت این روش بمتابه محتوایی که کل نظام آموزش و پرورش از دوره مهد کودک تا تحصیلات تکمیلی دانشگاهی باید مورد توجه قرار دهد، توصیه میگردد.

#### کلیدواژگان

دوستی	وضع مطلوب	وضع موجود
جامعه	آموزش و پرورش	

#### مقدمه

هرگونه فلسفه‌یی برای آموزش و پرورش با هدف تعمیق نسبت فرد و جامعه باید در آغاز و فرجام، این پرسش را

\* دانشیار گروه فلسفه پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی

mahoozi.reza@mail.com

تاریخ تأیید: ۹۶/۹/۱۳

تاریخ دریافت: ۹۶/۹/۱

و نامناسب یافته و از اینرو گونه پیشرفته‌تری از نظام آموزش و پرورش را مطالبه میکند.

مسلماً این مطالبه باید ضمن چشم‌داشت به وضع مطلوب و وضع موجود صورتبندی شود، زیرا در غیر اینصورت ممکن است به صرف اقتضائات زمانه که معمولاً متأثر از بحرانهای اجتماعی و فضاهاى بین‌المللی است، برنامه‌های آموزشی به درد محتوای زودگذر مبتلا شود. البته این سخن بدینمعنا نیست که اقتضائات زمانه یکسره نادیده گرفته شود؛ چرا که این خود، نقض غرض است. مسلماً توجه به وضع موجود، مستلزم توجه به اقتضائات زمانه است، اما ظرفیتهای و تهدیدهای وضع موجود، باید در پرتو بینشی از وضع مطلوب و نهایی که جامعه بمدد آموزش و پرورش بدان نظر میکند و راه خود را پیش میگیرد، مورد ملاحظه قرار گیرد.

نوشتار حاضر بر آن است تا در چارچوب تفکیک وضع مطلوب از وضع موجود، روش دوستی را بمثابه روشی مناسب حیات اجتماعی و اخلاقی - دینی ایرانیان معاصر که دغدغه دینی - اجتماعیشان با دغدغه پیشرفت و خوشنامی جهانی همراه گردیده است، پیشنهاد دهد. در این رویکرد، نخست «آزادی عقلانی» و رستگاری بمثابه نقطه مطلوب انسان در چارچوب نظام فکری تاریخی این سرزمین و آینده آن به تصویر کشیده شده و سپس با ذکر مختصات وضع موجود، روش دوستی در تأملی فلسفی تشریح میشود؛ روشی که کلیت نظام آموزش و پرورش از مرحله پیش از تحصیلات ابتدایی تا پایان تحصیلات تکمیلی باید بدان توجه کند و آن را به فضایی فکری تبدیل نماید.

### انسان و جامعه مطلوب

آزادی، هرچند امروزه بیشتر در زمینه اجتماعی و سیاسی و حتی آکادمیک فهم میشود، در روزگار پیشین، متناسب با اصول اندیشه سنتی و عمدتاً در زمینه مابعدالطبیعی و دینی فهم میشد. واضحترین تبیین فلسفی از این مفهوم در زمینه مابعدالطبیعی را میتوان در رسائل *فایدون* و

بعقیده خواجه نصیر، تفاوت میان انسانها و اتباع مدینه‌ها در روحيات، استعدادها و موقعيتها، اصلیت‌ترین مبنای اجتماع مدنی آنهاست، زیرا پیشتازی در استعدادی خاص، همواره با نیاز در استعدادهای دیگر و در نتیجه تعاون و تعادل جهت رفع آنها همراه است. این همان هنری است که حاکم مدینه را از دیگر افراد متمایز میکند، زیرا او باید با هنر ویژه رهبری خود همچون طبیعی حاذق استعدادها را در هم ضرب و هدایت کند و سه فضیلت اخلاقی «محبت»، «نوع‌دوستی» و «عدالت» را در جامعه برقرار سازد.

*فایدروس افلاطون* مشاهده کرد؛ آنجا که سقراط با تعریف فلسفه بمثابه «تمرین مرگ»، رهایی روح هبوط کرده در قفس تن و بازگشت به منشأ اولیه جهت خروج از چرخه تناسخ را «آزادی» روح تعبیر کرده است.<sup>(۱)</sup>

در *فایدروس*، افلاطون ضمن تقریر تشبیه ارابه و ارابه‌ران، حکومت عقل (ارابه‌ران) بر اسب سیاه (تمنا) و اسب سفید (اراده) و بطور کلی ارابه را لازمه آزادی از علیت فیزیکی امیال و دیگر علل پیرامونی شامل سنت، فرهنگ، سیاست و غیره دانسته است.<sup>(۲)</sup> افلاطون در *پروتاگوراس*، این نسبت متعادل را زیبایی حقیقی شمرده است؛ زیبایی و آزادی که جز از مجرای معرفت به چهار فضیلت «شجاعت»، «خویشتنداری»، «دینداری» و «عدالت» بدست نمی‌آید.<sup>(۳)</sup>

افلاطون بگونه‌ی هنرمندانه، در وضعیت ایده‌آل و در مقام تعریف، این چهار فضیلت را از آنچه که همگی به معرفت بازمیگردند، یکی دانسته و همه آنها را هم‌ذات دانسته است؛ به این معنا که شجاعت، همان دینداری، خویشتنداری و عدالت است و درست همانگونه که ذات عدالت، دینداری، شجاعت و خویشتنداری است و قس علی هذا.

بعقیده افلاطون، این وحدت نتیجه توافق وجودی و هستی‌شناختی آدمی با قانون موجود در روح خود است، از اینرو وی پیروی از قانون کیهانی (لوگوس) و جهانی را

دوستی در فضای گفتمانی جدید، نه صرفاً نسخه‌یی محلی برای تألیف سلیقه‌های متعدد در نظام وحدت‌گرای دینی حاکم بر ایران، بلکه بنیاد و مغز تحولات فرهنگی قرن بیست و یکم در عرصه فرهنگی است.

همانا بیدار کردن انسان خفته در روح دانسته است؛ بیدار کردنی که به آزادی روح و همنشینی با منشأ و اصل زیبایی منجر میشود.<sup>(۴)</sup> به این معنا، فلسفه تمرین چگونگی رهایی روح از بند محصوراتی است که آزادی را از او دریغ داشته‌اند. درواقع فلسفه به ما کمک میکند تا از غار محسوسات، تخیلات، محصورات و عادات رها شویم و در فضای پاک و روش بیرون غار، اصل و منشأ روشنایی را در آسمان حقیقت نظاره کنیم و بجای سرگرم کردن خود با سایه‌های درون غار و محسوسات و تخیلات، آنگونه که در مثال خط بیان شده است، همنشینی با معقولات و جانهای پاک و صاف را انتخاب کنیم؛ آنجا که روح از هر قید و حضری آزاد است و برکنار از جدالها و خشونتها و تمناهای حریصانه و جنگ‌طلبانه، اتحادی معقول و ذاتی با دیگر ارواح آزاد دارد.<sup>(۵)</sup>

این معنای متعالی از آزادی بمثابة استخلاص از علیتهای مکانیکی و خشونت‌طلب، در نظام مابعدالطبیعی فیلسوفان مسلمان به شیوه‌های متعددی از جمله اتحاد عالم و معلوم، فناء فی الله و بقای در آن و اسفاراربعه و از همه معرفت‌شناسانه و وجودیتر، وحدت وجودی سه رکن مابعدالطبیعه یعنی خدا، انسان و جهان در جریان ارتقای شناخت و معرفت آدمی، تبیین شده است.

همچون رویکرد افلاطون، در فلسفه اسلامی نیز فلسفه «کمال بخشیدن به نفس آدمی، به اندازه توانایی وی، از طریق معرفت به حقایق موجودات، چنانکه هستند و حکم به وجود آنها از سر برهان و نه از سرظن و تقلید» است.<sup>(۶)</sup> به دیگر سخن، فلسفه از مجرای علم تصویری و

تصدیقی به امور پیرامون است که نفس آدمی را کمال بخشیده و آن را به عالمی عقلی شبیه عالم عینی تبدیل میکند.<sup>(۷)</sup> طبق ایده‌آل موردنظر حکمای اسلامی، آدمی در جریان تأملات فلسفی و تتبع آن اتحاد معرفتی - وجودی با آنها درنهایت به جایی میرسد که موضوعات اندیشه وی، بویژه سه موضوع اصلی خدا، جهان و انسان، وحدت معرفتی - وجودی یافته و آدمی به جهانی عقلی تبدیل میشود که تمام هستی و منشأ آن (خداوند) در اندیشه وی حاصر می‌آیند. بنابراین، این تبدل معرفتی که آدمی را به جهانی اکبر تبدیل میکند، زمینه اصلی آزادی وی را فراهم میسازد و حصول آن، نقطه آغاز آزادی اوست.

در این فضای آزاد عقلی، حسب قاعده وحدت انواع عقلیه، اجتماع عقول در آرامشی دائمی بسر می‌برند؛ آرامشی که برای فیلسوفانی چون فارابی و خواجه‌نصیرالدین طوسی میتواند بمثابة عالیترین ضابطه تشخیص سعادت و در نتیجه استقرار مدینه فاضله محسوب شود.<sup>(۸)</sup> در این مدینه، حکومت یکپارچه عقل مستلزم نظام اخلاقی، معرفتی و سیاسی است که در آن، اتباع و مردم چون از خرد مقدس بهره‌مندند، از اینرو در شجاعت، عدالت، خویشتنداری و دینداری وحدتی عقلانی دارند.<sup>(۹)</sup>

### انسان و جامعه انضمامی

اگر در وضعیت ایده‌آل و در مقام تعریف، انسان و جامعه مورد نظر فلسفه، ایده درخشانی در ذهن و راهنمایی روشنگر در کلام است و حسب همان درخشانی و عقلانیت، وحدتی میان فضایل چهارگانه وجود دارد، در وضعیت واقعی، آدمی و جامعه در متن علیتهای مکانیکی بسیار متعدد اعم از بدنی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، علمی، تاریخی، جغرافیایی و غیره فعالیت میکنند. از همینروست که آدمیان و جوامع، متفاوت از یکدیگرند و حتی درون هر یک از جوامع نیز حسب موقعیتهای زمانی و مکانی، نسخه‌های متعدد، علاج دردها و مشکلات است و نه نسخه‌یی واحد.

افلاطون در مرد سیاسی و قوانین با جدا دانستن فضایل چهارگانه فوق در وضعیت واقعی، مشارکت صحیح و عقلانی مردم شهر در امور اجتماعی و سیاسی را این بار برعهده شهرداری نهاده است که دانش خود را نه از راه فلسفه بلکه از مجرای تجربه و فرزاندگی ناشی از ممارست فراوان بدست آورده است. بعقیده وی، شهریار که چشمی به قوانین مقدس شهر آرمانی فیلسوف شاه دارد و چشمی به حوادث روزگار، حسب شرایط زمانی و مکانی و بر مبنای قاعده «دوستی»، مردمان گونه‌گون را همچون بافنده‌یی زبردست درهم بافته و تار (افراد شجاع) و پود (افراد خویشتر) را به مناسبت‌های متعدد، از جمله مناسبت مقدس ازدواج درهم میبافد تا در نتیجه این بافتن، پارچه‌یی مستحکم اما نرم و لطیف بدست آید.<sup>(۱۰)</sup>

شبهه این تحلیل را خواجه نصیرالدین طوسی نیز در اخلاق ناصری بیان داشته است. بعقیده وی، متناظر با سعادت مدنی در مقام تعریف و وضعیت ایده‌آل، علمی به نام «علم سیاست» وجود دارد که به تدبیر عملی اجتماع و احوال دولت و جمعیت و مناسبات اجتماعی اهتمام دارد. این علم در تدبیر امور، علاوه بر توجه به اصول حکمت الهی و قوانین عقلانی متناظر با سعادت مدنی، آنگونه که در مدینه فاضله تبیین گردیده است، از دیگر علوم از جمله فقه، اخبار، ادب، بلاغت، نحو، حساب، مساحت، استیفا که ناظر به جزئیات مسائل و موضوعات عملی است، کمک میگیرد تا بدرستی به هدف خود نایل گردد.<sup>(۱۱)</sup>

بعقیده خواجه نصیر، تفاوت میان انسانها و اتباع مدینه‌ها در روحيات، استعدادها و موقعيتها، اصليترين مبنای اجتماع مدنی آنهاست، زیرا پیشنازی در استعدادی خاص، همواره با نیاز در استعدادهای دیگر و در نتیجه تعاون و تعادل جهت رفع آنها همراه است.<sup>(۱۲)</sup> این همان هنری است که حاکم مدینه را از دیگر افراد متمایز میکند، زیرا او باید با هنر ویژه رهبری خود همچون طیبی حاذق استعدادها را در هم ضرب و هدایت کند و سه فضیلت اخلاقی «محبت»، «نوع دوستی» و «عدالت» را در جامعه برقرار سازد.<sup>(۱۳)</sup> به این معنا، «محبت» معطوف به «خیر» و

تنها فرهنگی که کار جمعی و ارتباط و گفتگوی مبتنی بر احترام میان بینشهای متعدد را در خود نهادینه کرده باشد میتواند در تحقق بینش چند رشته‌یی و از آن مهمتر، میان رشته‌یی توفیق حاصل نماید. لازمه این کار، همانگونه که بیان شد، توجه به ساحت‌های متعدد آدمی و لزوم اتخاذ اندیشه راهبردی ویژه هر ساحت است.

نه «منفعت و لذت»، روح تسهیل‌کننده روابط میان افرادی است که هرکدام متفاوت از دیگری است:

و باید کنه محبت ملک رعیت را محبتی بود ابدی و محبت رعیت او را بنوی و محبت رعیت با یکدیگر اخوی، تا شرایط نظام میان ایشان محفوظ بماند.<sup>(۱۴)</sup>

خواجه در فصل دوم مقلت سوم این کتاب، بتفصیل نقش دوستی در پیوندهای اجتماعی را تشریح کرده است.<sup>(۱۵)</sup>

### دوستی در زمانه اخیر

زمانه ما، زمانه مؤلفه‌ها و روابط فراوان است. اگر به حوزه آموزش نظر کنیم، در دویست سال اخیر، دست‌کم پنج رویکرد بزرگ بین‌المللی سپری شده و یا برخی از آنها همچنان در کار است؛ آموزش معطوف به تأمین مصالح ملی، آموزش معطوف به مصالح دینی، آموزش معطوف به مصالح نظام کمونیستی - سوسیالیستی، آموزش معطوف به نظام لیبرال دموکراسی و در نهایت، آموزش معطوف به مصالح اقتصادی و تجاری در جریان موج جهانی شدن.<sup>(۱۶)</sup> این نیز روشن است که هر یک از نظامهای مذکور، متناسب با یک نظام سیاسی و اجتماعی و مبانی نظری ویژه آنها، طراحی شده و به اجرا درآمده است.

از سوی دیگر، در برخی از نظامهای سیاسی و اجتماعی، همچون نظام فعلی کشور ما در بسیاری از مراکز با تنوعی از الگوهای پنجگانه فوق روبرو هستیم؛

تنوعی که در برخی موارد نه گویای ابتکار مدیران، بلکه بیشتر نشاندهنده نامشخص بودن اهداف آموزشی و تربیتی مراکز آموزشی، اعم از مراکز دانشگاهی و پیش‌دانشگاهی است؛ بعنوان مثال، در بسیاری از مهدکودکها و یا حتی دبیرستانها و دانشگاههای ما، هم به آموزش دینی توجه میشود و هم به آموزش مهارتهای فنی و اقتصادی و هم به آموزش مصالح ملی و ...، بی‌آنکه بین متعلقات آموزش متعلقات پرورش و تربیت تفکیکی موضوعی و روشی صورت گرفته باشد و یا حتی برخی از مراکز، بصورت تخصصی بر هر یک از موارد فوق متمرکز شده باشند.

با این حال، از میان موضوعات کلیدی که جامعه بمثابه نخ تسبیح، میتواند بمدد آن در وهله نخست به وضعیت مطلوبی که برمبنای فلسفه، عرفان و فقه اسلامی شیعی ترسیم شده و بدانسو حرکت میکند، نظر اندازد و برنامه‌های آموزشی و پرورشی خود را متناسب با وضع موجود و حرکت بسمت وضع مطلوب تنظیم نماید، «دوستی» است. دوستی در فضای گفتمانی جدید، نه صرفاً نسخه‌یی محلی برای تألیف سلیقه‌های متعدد در نظام وحدت‌گرای دینی حاکم بر ایران، بلکه بنیاد و مغز تحولات فرهنگی قرن بیست و یکم در عرصه فرهنگی است. در چارچوب تحولات میان فرهنگی دنیای جدید، به مصداق «تعرف الاشیاء باضدادها»، «دیگری» نه همچون ضدی برای تعیین مرز «خودی» بلکه لازمه خودی و حتی عین خودی است.<sup>(۱۷)</sup> به دیگر سخن، دیگری و خودی، در معیت و همکاری دوستانه با یکدیگر، هویت همدیگر را میسازند. از همیزوست که سیاستهای فرهنگی پیش روی جهانیان، در تعاملات علمی و فرهنگی، دیگر نه بر مرزگذارها و تعیین‌بخشیهای منکرانه، بلکه بر گفتگوها و تعاملات مبتنی بر صلح و احترام شکل گرفته است.

متناسب با این امید تاریخی مبنی بر کاهش خشونتها و تضمین صلح میان فرهنگها، دانشها، ملتها و دولتها و همچنین ادیان و افکار، شایسته است «دوستی» بمثابه روشی

بنیادین که امکان کار مشترک سلیق و استعدادهای متعدد را میسر میسازد، مورد توجه مراکز آموزشی و پژوهشی قرارگیرد.

از آنجا که پرسش در باب دلیل کافی «دوستی» بمثابه روش ارتباط جمعی میان افراد، جوامع و نهادها و تشکلهای، اساساً پرسشی فلسفی است و پاسخ آن نیز باقتضای تبیین موضوع، فلسفی میباشد، شایسته است این موضوع در سطوح متعدد مورد توجه محافل علمی و آموزشی کشور قرارگیرد.

برنامه «فلسفه و کودک» نیز از آنرو که آگاهانه عمده توجه خود را نه بر آموزش مستقیم مفاهیم متعالی فلسفی، بلکه بر پرورش نونهالان و کودکان در مواردی چون تفکر انتقادی خلاقانه، کشت بذر دیانت و اخلاق از مجراهای مناسب و غیره متمرکز ساخته، شایسته است بمنظور سهم شدن در ساختن جامعه‌یی مشارکت‌جو و صلح‌طلب در آینده نه چندان دور، «دوستی» را در مضمون داستانها، کارگاهها، تمرینها، بازیها و تأملات خود قرار دهد و بزرگان فردا را بمنظور کسب مهارتهای لازم در فعالیتهای مشترک و گروهی، در عرصه داخلی و خارجی آماده سازد.

امروزه اثبات شده است که تحقق بینش چندرشته‌یی و میان‌رشته‌یی که خود را از محدودیتهای تخصص‌گرایی نیمه دوم قرن بیستم رها ساخته است و از ایده همکاری علمی و چند رشته‌یی در راستای ارتقای اهداف متعدد اخلاقی، علمی، فرهنگی و اجتماعی بهره میگیرد، اساساً مسئله‌یی فرهنگی است.<sup>(۱۸)</sup> به این معنا، تنها فرهنگی که کار جمعی و ارتباط و گفتگوی مبتنی بر احترام میان بینشهای متعدد را در خود نهادینه کرده باشد میتواند در تحقق بینش چند رشته‌یی و از آن مهمتر، میان‌رشته‌یی توفیق حاصل نماید. لازمه این کار، همانگونه که بیان شد، توجه به ساحتهای متعدد آدمی و لزوم اتخاذ اندیشه راهبردی ویژه هر ساحت است.



## نتیجه‌گیری

پیش‌بینی‌های دنیای فعلی و پیش‌رو، تحولات تکنولوژیک، دغدغه‌های ملی و دینی برای ساختن آینده‌ی بهتر و پیشرفته‌تر، ذائقه ملی و جهانی و دهها دلیل و انگیزه دیگر، مقتضی اتخاذ سیاستهایی ویژه در عرصه آموزش و پرورش است. امروزه آموزش و پرورش ما بصورت جدی نیازمند فلسفه‌ی است که بتواند هم در ترسیم افق پیش‌رو و هم در تبیین چگونگی حرکت ذیل آن افق و همچنین پیوستگی تمامی مقاطع آموزشی و تربیتی متناسب با ظرفیتهای و استعدادهای هر دوره، پیشنهادهایی عرضه کند. فلسفه «دوستی»، یکی از موضوعاتی است که میتواند بر مبنای تفکیک وضع موجود - وضع مطلوب، امکانهای متعددی برای تمشیت وضع موجود و در عین حال، ارتقای تدریجی، عالمانه و مبتنی بر محبت انسانی وضع موجود پیش‌روی ما نهد. بنابراین، این موضوع میتواند پیوستگی مقاطع متعدد آموزشی و تربیتی را از دوره مهدکودک تا تحصیلات تکمیلی دانشگاهی تأمین کرده و تاروپودهای متعدد بافتار اجتماعی را به شیوه‌ی صحیح به هم گره زند.

## پی‌نوشتها:

۱. ر.ک: افلاطون، مجموعه آثار، فایدروس، ترجمه رضا کاویانی و محمدحسن لطفی، ۲۴۶، ص ۱۲۳۴.
۲. یگر، ورنر، پایدیا، ترجمه محمد حسن لطفی، ج ۲، ص ۶۶۸ و ۶۶۹.
۳. ر.ک: مجموعه آثار افلاطون، پروتاگوراس، ۳۲۹، ص ۹۰؛ ۳۴۹، ص ۱۱۲.
۴. همان، جمهوری، ۴۰۳، ص ۹۱۳.
۵. همان، ۵۱۰-۵۱۴، ص ۱۰۵۱-۱۰۵۴.
۶. ر.ک: ملاصدرا، الاسفار الاربعه، ج ۱، ص ۲۰.
۷. ابن‌سینا، الهیات شفا، فصل ششم از مقاله دوم برهان شفا، ص ۳۰.
۸. ر.ک: طوسی، خواجه نصیر، اخلاق ناصری، تصحیح مجتبی مینوی و علیرضا حیدری، ص ۱۵۳ و ۱۵۴.
۹. ر.ک: فارابی، ابونصر، اندیشه‌های اهل مدینه فاضله، ترجمه سیدجعفر سجادی.

۱۰. ر.ک: مجموعه آثار افلاطون، ۳۱۱، ص ۱۵۳۹؛ ماحوزی، رضا، «پیوند شهر آرمانی و شهر واقعی در اندیشه افلاطون»، فصلنامه خردنامه صدرا، س ۱۹، ش ۱، پیاپی ۷۳.
۱۱. اخلاق ناصری، ص ۲۵۰.
۱۲. همان، ص ۳۰۳.
۱۳. همان، ص ۲۵۰ و ۲۵۱، ۳۰۱ و ۳۰۲.
۱۴. همان، ص ۲۶۶.
۱۵. ر.ک: ماحوزی، رضا، «پیوند اخلاق فردی و اخلاق اجتماعی در اندیشه خواجه نصیرالدین طوسی»، مجموعه مقالات فردگرایی و جمع‌گرایی در آموزه‌های اسلامی، تدوین و ویرایش مرتضی بحرانی، ص ۳۰۳-۳۵۰.
۱۶. ر.ک: ویتراک، بیورن، سیر تکوین دانشگاه مدرن، ترجمه آریا متین، ص ۲۰-۲۵.
۱۷. در اینباره ر.ک: دهقانی، رضا، درآمدی به فلسفه میان فرهنگی.
۱۸. ر.ک: همانجا.

## منابع:

۱. ابن‌سینا، الهیات شفا، فصل ششم از مقاله دوم برهان شفا، بی‌تا.
۲. افلاطون، مجموعه آثار، ترجمه رضا کاویانی و محمد حسن لطفی، تهران، انتشارات خوارزمی، ج ۳، ۱۳۸۰.
۳. دهقانی، رضا، درآمدی به فلسفه میان فرهنگی، تهران، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، ۱۳۹۶.
۴. فارابی، ابونصر، اندیشه‌های اهل مدینه فاضله، ترجمه سیدجعفر سجادی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۹.
۵. ماحوزی، رضا، «پیوند شهر آرمانی و شهر واقعی در اندیشه افلاطون»، فصلنامه خردنامه صدرا، س ۱۹، ش ۱، پیاپی ۷۳، ۱۳۹۲.
۶. - - - - -، «پیوند اخلاق فردی و اخلاق اجتماعی در اندیشه خواجه نصیرالدین طوسی»، مجموعه مقالات فردگرایی و جمع‌گرایی در آموزه‌های اسلامی، تدوین و ویرایش مرتضی بحرانی، تهران، انتشارات پژوهشگاه مطالعات فرهنگی و اجتماعی، ۱۳۹۴.
۷. ملاصدرا، الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعه، بیروت، دار احیاء، ج ۱، ۱۹۸۱ م.
۸. ویتراک، بیورن، سیر تکوین دانشگاه مدرن، ترجمه آریا متین، تهران، پژوهشگاه مطالعات فرهنگی و اجتماعی، ۱۳۹۶.
۹. طوسی، خواجه نصیرالدین، اخلاق ناصری، تصحیح مجتبی مینوی و علیرضا حیدری، تهران، انتشارات خوارزمی، ۱۳۸۷.
۱۰. یگر، ورنر، پایدیا، ترجمه محمد حسن لطفی، تهران، انتشارات خوارزمی، ۱۳۸۰.